

زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری شورای بازرگانی (مجلس وکلای تجار)

آوات ابراهیمی^۱

مقدمه

در دوره ناصرالدین شاه، به دنبال نفوذ تجاری دولت‌های روسیه و انگلیس در امور سیاسی و اقتصادی ایران، تجار و بازرگانان داخلی با مشکلات مالی زیادی روبرو شدند. علت این امر آن بود که از یک طرف دولت‌های روسیه و انگلیس برای صادرات و واردات کالاها، تسهیلات مالی فراوانی از جمله پرداخت نکردن هزینه گمرکی برای اتباع مورد حمایت خود فراهم آورده و از طرف دیگر تاجران و بازرگانان ایرانی به دلیل همین مسئله و عدم حمایت دولت مرکزی و همچنین دخالت حاکمان ایالات در امر بازرگانی روبرو بودند. با آغاز دوباره اصلاحات اداری دوره ناصری، وزارتتی برای رسیدگی به امر تجارت شکل گرفت، اما به جای اینکه تسهیلاتی برای تاجران و بازرگانان داخلی فراهم آورد و آنها را مقابل بازرگانان خارجی حمایت کند، بیشتر مشغول رسیدگی به دعاوی آنها با هم یا دعاوی این صنف با سایر مردم بود و عملاً اقدامی در راستای ایجاد تسهیلات برای تجار انجام نداد. در پی این مسئله، تاجران سرشناس، خود به چاره‌اندیشی پرداختند. آنها سعی داشتند با نفوذ در دربار و نزدیک شدن به ناصرالدین شاه، وی را متقاعد سازند که واردات کالاهای مصرفی خارجی و دخالت حاکمان ایالات در امر بازرگانی، به زیان مملکت و کارخانه‌های داخلی است.

ناصرالدین شاه چون از اهمیت این صنف آگاه بود و در عین حال، دلخوشی از دخالت خارجی و حاکمان ایالات نداشت، با ایجاد مجلس شورای بازرگانی به ریاست امین‌الضرب موافقت نمود. لزوم شکل‌گیری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران.

این انجمن، نقش تجار به ویژه امین‌الضرب در تأسیس آن، هدف از تأسیس این مجلس، علت حمایت ناصرالدین شاه از آن و اقدامات عملی تاجران در راستای فراهم آوردن تسهیلات مالی و سیاسی برای این صنف، از بخش‌های اصلی این پژوهش است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

زمینه‌ها و عوامل تاریخی شکل‌گیری مجلس وکلای تجار

در دوره ناصرالدین شاه، بر اثر ارتباط با کشورهای خارجه و اطلاع از سیستم‌های کشورداری ممالک دیگر، به تدریج و به تناسب اوضاع و احوال ایران و سلیقه اولیای امور، تغییرات و اصلاحاتی در وضع اداری مملکت صورت گرفت. امیرکبیر، صدراعظم وقت، پس از نیل به مقام صدارت، عملاً به اصلاح امور کشور و دربار همت گماشت و بر آن بود که به وضعیت مالی مملکت، سر و سامانی بدهد؛ برای وصول مالیات و نگهداری پول و مصرف بیت‌المال، مقررات جدیدی وضع کند و امور مالی کشور را بر اساس نظم نوینی استوار سازد. برای اجرای این منظور، یکی از فرزندان محمد علی میرزا، پسر فتحعلی شاه را برای مطالعه در امور مالی و جمع‌آوری قوانین مالیه، به فرانسه اعزام کرد. محمد علی میرزا در این زمینه مطالعات کافی نمود و بسیاری از مقررات و قوانین جاری فرانسه را کسب کرده، با خود به ایران آورد.^۱

در پی این اقدامات و به دستور امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ هـ. ق. سازمان جدیدی برای امور مالی، حفظ تمرکز بیت‌المال و وصول مالیات تشکیل شد که دارای شش حوزه مالیاتی در سراسر ایران و در حقیقت به منزله پیشکاری‌های امروزی بودند. از این زمان، شالوده سازمان مالیه کشور، بر اساس اصول تازه‌ای ریخته شد که هر کدام زیر نظر یک مستوفی اداره می‌شد. با این اقدام، از نفوذ و قدرت بی‌حد و حصر حاکمان کاسته شد و مأموران مالیه نظارت مستقیم و کامل بر بیت‌المال مملکتی را پیدا کردند. به این ترتیب، نخستین قدم برای اصلاح امور مالی کشور، پی‌ریزی بنیاد مالیه نوین بود که در زمان امیرکبیر، اولین گام‌های آن برداشته شد. اما این وضع با مرگ امیرکبیر تغییر کرد و دوباره مالیه مملکت، مستقیماً تحت نظارت شاه قرار گرفت. متصدیان و وزیران مسئول بدون اجازه شاه، حق خرج و برداشت از خزانه را نداشتند.^۲

ناصرالدین شاه در اواسط سلطنت خود، همه مقررات و برنامه‌های امیرکبیر را که کم و بیش متروک مانده بود، مجدداً اجرا کرد، اما به نظر می‌رسد در آن برهه زمانی، این مسئله اهمیت چندانی نداشت، زیرا در زمان امیرکبیر دخالت در امور مالی کشور بیشتر توسط اشراف و درباریان صورت می‌گرفت و اکنون با دادن امتیازات به بیگانگان، اشراف و درباریان جای خود را به بیگانگان روس و انگلیس داده بودند که با گرفتن هرگونه امتیاز به راحتی در امور مالی و تجاری دخالت می‌کردند و اگر مقرر بود اصلاحاتی صورت بگیرد، باید توسط تاجران و کسانی که از این وضع رنج می‌بردند، انجام می‌گرفت. بنابراین در اواسط سلطنت

۱. یکتایی، مجید، تاریخ داریایی ایران و گمرکات و انحصارات، تهران، پرویز، ۱۳۴۰، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۶.

ناصرالدین شاه، اجرای دوباره برنامه‌های امیرکبیر نمی‌توانست بهبودی در اداره امور مالی کشور ایجاد نماید. اگر در زمان امیرکبیر، درباریان و اشراف در صدد از میان برداشتن او بودند، در این زمان دولت انگلیس در صدد آن بود که تجار را از میان بردارد. در سال ۱۲۷۷ هـ. ق. وزارت تجارت تأسیس شد، اما بیشتر کارکرد آن رسیدگی به دعوای تجار بود.^۱

از میان تاجران معروف آن دوره، باید به حاج محمد حسن امین دارالضرب اشاره نمود. او از فرط حمیتی که در ترویج صنایع داشت، به کمپانی معروف بود.^۲ امین‌الضرب از برجسته‌ترین بازرگانان قرن نوزده و اولین سرمایه‌گذار صنعتی بود که حدود ۱۲۵۱ هـ ق / ۱۸۳۵ م در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش آقا محمدحسین و مادرش بیبی‌ماه خانم، در اصل از اهالی خوی بودند.^۳ او خواندن و نوشتن فارسی و خوشنویسی قرآن را در مکتب‌خانه آموخت.^۴ پس از فوت پدر برای کسب و کار به تهران آمد و مشغول تجارت شد. در آنجا با بازرگانی یونانی به نام پناپوتی^۵، نماینده یک شرکت یونانی آشنا گشت که با آشنا کردن او به فوت و فن بازرگانی خارجی و داخلی، زندگی محمد حسن را دگرگون ساخت. این تاجر یونانی، منسوجات ساخت منچستر انگلیس را به ایران وارد می‌کرد. مرکز این شرکت یونانی در تبریز بود. امین‌الضرب با راهنمودها و تجاری که از پناپوتی آموخته بود، در اندک زمانی توانست اعتماد همگان را به خود جلب کند و کارش را رونق دهد. کم‌کم قبول برات بزرگان و رجال، او را به شهرت رساند و با درباریان و شخص پادشاه ارتباط پیدا کرد.^۶ با کمک علی اصغرخان امین‌السلطان، کارهای دولتی را نیز به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود افزود. از جمله خدمات و تأسیساتی که امین‌الضرب به وجود آورد، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- ایجاد خط راه آهن بین محمود آباد و آمل در ۱۳۰۸ هـ ق.^۷

۲- احداث کارخانه برق.^۸

۳- احداث کارخانه بلورسازی در ۱۳۰۵.^۹

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، ص ۷۱۳.

۲. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، *المآثر و الآثار*، تهران، دارالطباعة دولتی، ۱۳۱۱، ص ۳۲۵.

۳. مهدوی، اصغر و ایرج افشار، *یزد در اسناد امین‌الضرب، سال‌های ۱۲۸۱-۱۳۳۰ ق*، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۸۰، ص ۱۵.

۴. مهدوی، شیرین، *زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی*، ترجمه منصوره اتحادیه، فرحناز امیر خانی حسین نک لو، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹، ص ۵۵.

5. Panayotti.

۶. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۹۳.

۷. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، ج ۱، ص ۱۳۰.

۸. بانکیان، محمد اسماعیل، *تاریخ یکصد سال صنعت برق ایران*، تهران، فردوسی (توانیر)، ۱۳۸۴، ص ۵۸.

۹. آدمیت، فریدون، *اندیشه ترقی و حکومت قانون سپهسالار*، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۲۵۳۶، ص ۳۲۵.

۴- پیشنهاد تأسیس بانک در ۱۲۹۶ ه.ق.^۱

۵- پیشنهاد احداث اولین کارخانه ذوب آهن ایران در ۱۳۰۴ ه.ق که امتیاز آن را از شاه گرفت، اما موفق به اجرای آن نشد.

۶- تأسیس کارخانه ابریشم بافی در گیلان.^۲

از دیگر اقدامات مهم او، ضرب مسکوکات بود. تا پیش از دوره ناصرالدین شاه، هر یک از شهرهای عمده ایران، ضربخانه‌های جداگانه داشت و دولت بر هر کدام از آنها یک نفر سرپرست به سمت ریاست آن ضربخانه می‌گماشت؛ به همین دلیل اختلافات در نقش، شکل، اندازه، عیار و غیره پدید می‌آمد. ناصرالدین شاه در اوایل سلطنت، لوازم کار را از اروپا وارد کرد و آقا محمد ابراهیم خان آبدار باشی امین‌السلطان را به اداره و ریاست ضربخانه گماشت که پس از وی به سال ۱۳۰۰ ریاست ضربخانه به امین‌الضرب تعلق گرفت.^۳ در آن سال، ازدیاد سکه‌های پول خرد مسی و سکه‌های نقره، اعتماد مردم را به پول‌های فلزی، کاملاً از بین برده بود؛ بنابراین ضربخانه سلطنتی به ریاست او و بیشتر برای بالا بودن عواید خود، دست به ابتکار نوینی زد. بدین معنا که به تدریج عیار سکه‌های مسی و نقره را پایین آورد. این امر در کل برای جامعه اقتصادی ایران در کوتاه مدت مفید بود، زیرا داشتن سکه واحد با وزن و عیار مشخص، داد و ستد را بین تجار شهرهای مختلف تسهیل می‌ساخت، اما از آنجایی که امین‌الضرب به تدریج عیار سکه‌ها را پایین می‌آورد، نزول مداوم ارزش نقره بازار بین‌المللی هم مزید بر مشکل شد و قیمت پول نقره ایران کاهش بیشتری یافت. تجار دست اندر کار داد و ستدهای بین‌المللی، از سقوط نرخ قیمت‌ها لطمه دیدند. توده مصرف‌کننده نیز که اکنون بیش از پیش به کالاهای اروپایی (به ویژه منسوجات نخی) متکی بود و رجال شهری که به واسطه عدم اعتماد به بانک‌های خارجی به انباشتن گنجینه‌های پول نقد پرداخته بودند، زیان مالی فراوانی دیدند.^۴

از دیگر اقدامات امین‌الضرب، تأسیس انجمن تجار در واکنش به اوضاع اقتصادی، سرمایه‌داری و دخالت بیگانگان در امور تجاری و مالی ایران بود که در پی آن، تاجران به ریاست او خواستند بانکی مخصوص خودشان دایر سازند که ابتدا در تهران و سپس دیگر شهرستان‌ها فعالیت داشته باشد.^۵

دلایل ایجاد تأسیس مجلس وکلای تجار

ایران میان رقابت دولت‌های روس و انگلیس در تکاپو بود. اگر قصد انجام کاری در جهت اصلاح و آبادی مملکت در جنوب کشور را داشت، دولت روس، ایران را متهم می‌ساخت که این کار را در راستای

۱. ناطق، هما، بازرگانان، تهران، توس، ۱۳۷۳، ص ۳۲

۲. جمال‌زاده، محمد علی، گنج شایگان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱

۳. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تملنی جدید در ایران، ج دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۲۵۳۷، ص ۶۲

۴. امانت، عباس، قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۵، ص ۵۴۸ و ۵۴۹

۵. ناطق، هما، بازرگانان، ص ۳۲

منافع انگلیس انجام می‌دهد و برعکس آن هم صدق می‌کرد.^۱ داخل دربار ایران نیز وضع همین‌گونه بود. میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله که توسط میرزا حسین خان سپهسالار به وزارت تجارت گمارده شده بود، شخص فاسدی از آب درآمد، تا جایی که خود سپهسالار از بدخواهی میرزا عبدالوهاب شکایت می‌کرد.^۲ ملک آرا درباره این شخص می‌گوید: «عجب آن است که این عبدالوهاب هیچ بود، از سایه میرزا حسین خان همه چیز شد و از همه بیشتر عداوت کرد».^۳

ایجاد چنین انجمن تجاری، ناشی از اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی، ایجاد صنعت تولیدی - سرمایه‌گذاری و حمایت از اقتصاد داخلی بود که با هم، سیاست اقتصادی ملی را می‌ساختند. وضعیت ایران در آن عصر، به گونه‌ای بود که میرزا حسین خان سپهسالار با حالتی تأسف بار می‌گوید:

«وقتی بود ایران بابت حرفت و صنعت، محسود سکنه جمیع دنیا بود، اما اکنون در جمیع اسباب زندگی، محتاج به امتعه خارجه خواهد گردید و حال آنکه با اندک توجه و مراقبت اهالی ایران، می‌توان از امتعه خارجه صرف نظر نمود».^۴ در این عبارت کوتاه، به لزوم صنعت جدید، بر پا کردن آن به دست اهالی کشور و مسئولیت دولت در تشویق صنعت داخلی و بی‌نیاز گردیدن از کالای خارجی اشاره شده است. میرزا حسین خان سپهسالار، راه افزایش ثروت مملکت را نشر علوم و صنایع که اسباب اصلی ترقی و تربیت یک دولت و ملت است، می‌داند؛ به همین سبب در این زمان، فکر اقتصاد ملی در ایران شکل گرفته بود که جلوه‌های آن را در نوشته‌های مختلف آن دوره می‌بینیم. یکی از رواج کالای مصرفی فرنگی و باز بودن دروازه ایران روی آن محصولات انتقاد می‌کند «که با ورود کالاهای اروپایی، پول‌های دولت از مملکت خارج گردید. بیشتر مردم را مسکین و فقیر کرده و از پای در آورده است و اموال و نقود این دولت را به کلی از این مملکت خارج گردانید».^۵

حاج سیاح در این باره می‌نویسد: «از یک طرف جور حاکمان و مقتدران تمام نقاط ایران را خراب نموده، صنایع قدیمه از میان رفته و می‌رود. تمام حوایج مردم به دست تجارت روسیه و انگلیس و سایر ممالک متمدنه افتاده و می‌افتد».^۶

نفوذ سرمایه خارجی و واردات کالاهای اروپایی، در میانه سده نوزدهم آغاز شد. این وضعیت در ابتدا به رشد اقتصادی کمک کرد، اما در نهایت کشور را از توسعه سرمایه‌داری، به مفهوم درست و دقیق کلمه

۱. نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، مقدمه و گردآوری ابوالحسن جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، سپهر، ۱۳۴۱، ص ۱۰-۱۷

۲. آدمیت فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۲۵۰

۳. نوائی، عبدالحسین، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، تهران، بابک، ۱۳۲۵، ص ۸۹

۴. ساسانی خان ملک، احمد، سیاست‌گران دوره قاجار، تهران، هدایت با همکاری انتشارات بابک، ۱۳۵۴، ص ۶۹

۵. آدمیت، فریدون، اندیشه، ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۳۱۷ و ۳۱۸

۶. سیاح، محمد علی، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۴۶، ص ۵۶

محروم ساخت.^۱ تجارت خارجی نیز زمینه را برای صنعتی شدن فراهم نکرد. افزایش حجم بازرگانی خارجی، به زیان ایران بود. ادغام اقتصاد ایران در بازارهای جهانی، تأثیرات منفی به دنبال داشت. نوسان بازار بین‌المللی به شدت بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشت و سقوط ارزش نقره در بازار جهانی، ارزش پول کشور را که متکی بر نقره بود، کاهش داد.

در نتیجه رقابت خارجی، کارخانه‌های ایرانی ناگزیر به تعطیلی شدند.^۲ تسهیلات و امکانات مختلفی که حکومت برای تجار خارجی فراهم آورده بود، منجر به عرضه ارزان کالاهای اروپایی در کشور شد. این مسئله، شکست و زیان مالی بازرگانان ایرانی را در پی داشت.^۳ این مسائل و دغدغه‌های جامعه ایران، آغاز رشد سرمایه‌داری جدید بود. از صنف تجار، طبقه سرمایه‌داری در حال به وجود آمدن بود که کم و بیش با بنیادهای اقتصاد جدید آشنایی یافته و در پی سرمایه‌گذاری بودند.

در زمره اهل سرمایه در ایران و بازرگانان ایرانی مقیم عثمانی و هند، به افراد و گروهی بر می‌خوریم که خواهان ایجاد بانک، کمپانی بازرگانی و شرکت‌های تولیدی صنعتی بودند. مجموع این واقعیت‌ها، نموداری از مقدمه رشد سرمایه و نشانه تفکر جدید اقتصادی اهل سرمایه و تجارت بود. سیاست کلی دولت نیز با آن جریان تازه هماهنگی داشت، اما در راستای آن، اقدامی عملی انجام نشد. عوامل دیگری نیز از جمله افزایش قدرت دولت مرکزی در داخل، برقراری امنیت نسبی، وضع نظامات جدید سیاسی، حمایت از حقوق اهل تجارت در گردآمدن سرمایه و فعالیت دسته جمعی اقتصادی نیز در این امر تأثیر داشت.^۴

بازرگانان به همبستگی صنفی خود حساس بودند و اعتقاد داشتند که اتفاق تجار، اتفاق است با جمیع ممالک محروسه؛ به دلیل اینکه رشته تجارت به یکدیگر وابسته است. آنها همچنین به نیروی تشکل اجتماعی خویش تکیه داشتند و معتقد بودند که « عمده امورات ممالک محروسه، با تجار است که این طایفه همه جور قوه در آنها متصور است؛ اسباب آبادی مملکت هستند». به علاوه وکلای تجار به مقتضای امانت صنفی در حفظ حقوق مردم آشکارا حکم واحدی خواهد داشت.^۵ تجار معتقد به قدرت اقتصادی بودند و می‌گفتند که معدن طلا و نقره، زراعت و تجارت و صنایع مملکتی باید زیاد شوند تا دیگر احتیاجی به سایر دولت‌های خارجی نداشته باشیم و باز تأکید داشتند: « عمده امور به تجارت بسته است. اگر تجار قوت داشته باشند، می‌توانند رفع احتیاجات ممالک محروسه را از ولایات خارجه بنمایند، کارخانجات احداث کنند و معادن را استخراج کنند». ^۶ آنها تا جایی که توانستند، از وضعیت بنیان برافکن وابستگی تجاری به بیگانگان

۱. ملایی توانی، علیرضا، مشروطه و جمهوری، تهران، گسترده، چاپ اول، ۱۳۸۱ ص ۸۴

۲. امجد، محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، حسین مفتخری، تهران، باز، ۱۳۸۰، ص ۵۴-۵۵

۳. انصاری رنانی، قاسم و کرمانی، قنبر علی، تجارت در دوره قاجاریه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰، ص ۵

۴. آدمیت فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالاری، ص ۳۲۲-۳۲۳

۵. به نقل از: بیانی، خان‌بابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۳، تهران، علم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵

۶. کتابچه عرایض مجلس وکلای تجار ممالک محروسه ایران، ۱۳۰۱، پرونده مجلس تجارت؛ برای مطالعه بیشتر رک: پنجاه سال تاریخ ناصری.

نزد ناصرالدین شاه سخن به میان آوردند. این را نیز باید افزود که هر روز خبر ورشکستگی بازرگانان و شکایت‌نامه‌های تجار به تواتر می‌رسید. هدف تجار، استقلال عمل بود و با برخوردار بودن از پشتیبانی جدی دولت، بر دستگاه وزارت تجارت هم سخت تاختند. تقاضای هیئت جمعی تجار این بود: «این بندگان را به شخصی بسپارید که دولت خواه باشد، متدین و بی‌طمع باشد، بر غرض باشد، مستغنی باشد، گرسنه نباشد، مقتدر باشد، حکمش در همه بلاد و وزارتخانه‌ها نفوذ داشته باشد.»^۱

اختیارات و اقدامات مجلس وکلای تجار

ناصرالدین شاه، نصیرالدوله وزیر تجارت را عزل نمود. این مسئله نشان دهنده اهمیت دادن به خواست جامعه تجار بود. چون ناصرالدین از قدرت رو به رشد حکام ایالات هراسان بود، در شوال ۱۳۰۱ هـ ق / ۱۸۸۴ م به میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک، صدر اعظم دستور داد که جلسه‌ای با حضور جامعه تجار تشکیل داده و ببیند چه قدم‌هایی باید برای بهبود تجارت برداشته شود. در این نامه شاه به اهمیت بازرگانی تأکید نموده و به صدراعظم دستور داد که به همه تجار بگوید که وی آرزو دارد تجارت پیشرفت نماید و منافع بازرگانان مورد حمایت قرار گیرد.^۲ تجار تهران به تاریخ هفتم شوال ۱۳۰۱ ق / ۱۸۸۴ م تشکیل مجلس وکلای تجار را نیز اعلام نمودند. آنها از میان خود ده نماینده برای این مجلس و با همین نام و همان کارکرد و شعبه‌هایی نیز در ایالات انتخاب کردند. بازرگانان، سندی را که شامل اهداف، نظریات و حقوق مجلس بود آماده ساختند که پس از دریافت رضایت سلطنتی، این سند اساسنامه مجلس نام گرفت.^۳ بازاریان تلاش کردند تا نظام اقتصادی و اجتماعی را به پا سازند که در پرتو حکم فرمایی قانون، مالکیت خصوصی و جسم و جان مردم مصون بماند. تاجران از طریق این مجلس، خواهان تضمین مالکیت خصوصی و امنیت جانی همه شهروندان توسط دولت شدند.^۴

اهداف کلی مجلس وکلای تجار، بدین شرح بود: اول - امنیت مالی: اراده پادشاه به دنبال آن است که املاک، مال و اعقاب عامه رعیت در امن و امان باشد و اراده پادشاه این را می‌طلبد که مردم در رفاه باشند. از آنجایی که شغل بعضی از مردم این است که با کاغذهای ساختگی و اسناد تقلبی و تناقضی دست به خرید و فروش املاک و مستغلات دیگر مردم بزنند، لازم است چاره‌ای اندیشه شود و راه چاره این است که خرید و فروش املاک و مستغلات و اجاره موقوفات باید دفتر مخصوص در دیوان همایونی داشته باشد و در این دفتر، اسم و شرایط معامله مشخص شود و بهتر است اسم این دفتر، ثبت املاک باشد و مهر خصوصی از جانب دولت همراه آن دفتر بوده و هر کس ملکی یا مستغلاتی خرید و فروش نماید و یا برای اجاره و استجاره، باید در این دفتر ثبت شود. ایجاد این دفتر علاوه بر اینکه از تقلب، حيله و تزویر جلوگیری می‌کند،

۱. بیانی، خان‌بابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، ص ۴۵-۱۴۱

۲. آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۱۰

۳. مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی امین دارالضرب، ص ۱۷۲

۴. امجد، محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، حسین مفتخری، تهران، باز، ص ۴۵

زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری شورای بازرگانی / آوات ابراهیمی

بلکه دولت از طریق آن می‌تواند میزان مالیات را در صورت کم و زیاد شدن، تعدیل کند.^۱

دوم- ایجاد یک بانک ایرانی کوچک برای حمایت از تجار داخلی: مجلس وکلای تجار از پادشاه درخواست کردند که مجلس وکلا در شهر دارالخلافه، بانکی برقرار سازند که مخصوص اداره تجارت باشد و هر کار تجاری که در مملکت شایع نموده، ابتدا به صورت آرام و تدریجی و سپس بزرگ و پر منافع کنند که ناصرالدین شاه دستور داد تا خیلی زود ترتیبات آن را داده و بانک ایجاد کنند.^۲

سوم- حمایت از منافع تجار محلی در برابر بازرگانان خارجی: از آنجایی که اغلب رعایای ایران از وضع معاهدات دولتی خبر نداشتند و نیز تجار خارجی امتعه و پارچه و بلورآلات را که به ایران می‌آوردند، با وعده طولانی و قیمت گزاف به اشخاصی کم بضاعت و بی‌سرمایه به قرض می‌دهند و چون این اشخاص سرمایه ندارند، با دادن این اقساط رفته رفته ورشکست می‌شوند. بنابراین مال‌التجاره داخله از بین می‌رود و تجار خارجی تمام نفع آن را می‌برند و برای حفظ اموال تجار ایران و برای اینکه هر کسی نتواند با حیله، مال و سرمایه آنها را به دست آورد، استدعا می‌شود که این اجازه به مجلس وکلای تجار داده شود که نگذارند احدی مال‌التجاره به نسیه و وعده از تجار خارجی خرید نماید و یا اینکه طبقات پایین دربار، با شیوه‌های مختلف، از تجار نقد یا جنس می‌گیرند که در وقت خودش بدهند و چون این نسیه‌ها را پس نمی‌دهند، بین آنها نزاع و درگیری روی می‌دهد و طرفین از اعتبار و زندگی و شغل خود باز می‌مانند و چنانچه امر فرماید که هر کس به تجار و کسبه مقروض است، از مواجب او توقیف شود و به موقع در عوض طلب داده شود، این مشکل حل می‌شود. بنابراین ناصرالدین شاه دستور داد به اطلاع وزیر خارجه و یا تجارت و تجار خارجه برسانند که از این پس، این کار منسوخ و متروک گردد و تا جایی که ممکن است، از تجار خارجی نباید نسیه‌کاری کنند.^۳

چهارم- ایجاد و برپا نمودن بازار مکاره در ایران: هر ساله از همه ولایات ایران، تجار و بازرگانان، کالای مخصوص مملکت ایران را به بازار مکاره روسیه می‌بردند که در آنجا مدت‌ها دست به دست می‌گشت و اغلب، مال آنها ضایع می‌شد و یا به بهای کم می‌دادند و یا در عوض اجناس و امتعه و بلورآلات و غیره از قبیل چراغ‌های نفتی، از تجار روسیه و سایر دولت‌ها گرفته، به ایران می‌آوردند و یا مجبور می‌شدند به مسکو و سایر ولایات روسیه برده، سپس مدت‌ها در آنجا می‌ماندند تا بتوانند امتعه ایران را به مرور فروخته و در عوض هم برحسب اجبار، مال‌التجاره و پارچه روسی را با خود به ایران می‌آوردند. لذا از پادشاه درخواست نمودند در آستارا و یا محل دیگری که سرحد خاک روسیه باشد، بازار مکاره‌های ایجاد شود که هر سال شصت روز دایر باشد و این موضوع به سایر تجار ممالک ایران و نیز کشورهای خارجی اطلاع داده شود که در فلان وقت برگزار می‌شود. پادشاه دستور داد که این امر نیز زود اجرا شود و تجار هر کجا را از قبیل گیلان،

۱. بیانی، خان‌بابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۳، ص ۱۴۰.

۲. کتابچه عرایض مجلسی وکلای تجار ممالک محروسه ایران، ۱۳۰۱، پرونده مجلس تجارت؛ برای مطالعه بیشتر رک: پنجاه سال تاریخ ناصری.

۳. بیانی، خان‌بابا، پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، ج ۳، ص ۱۴۱-۱۴۲.

انزلی، مازندران و یا آستارا که نزدیک‌تر است، مشخص نمایند و زودتر قرار ترویج و ترتیب آن را بدهند.^۱ پنجم - جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی غیر ضروری خارجی و رواج کالاهای ایرانی در میان مردم: کالاهای خارجی از قبیل امتعه و اقمشه و غیره به اندازه‌های در ایران زیاد شده بود که کالاهای نفیس مملکت ایران که از حیث کیفیت و دوام از کالاهای خارجی بهتر بودند به علت قیمت پایین کالاهای خارجی، دیگر خریداری نداشتند. کارخانجات قدیم تعطیل شده بودند. ارباب صنایع از شغل خود دست کشیده و سرمایه آنها بی‌فایده گشته بود. تقاضا نمودند که اگر پادشاه حمایت کند، تجار ایرانی متعهد می‌شوند که در زمانی اندک، در تمام ممالک محروسه ایران، کارخانجات متعددی احداث نمایند و اشخاص بیکار را دارای شغل و کار کنند. احتیاجات مردم را به متاع فرنگی خیلی کم کنند و حتی صنایع ایران را نیز به خارج صادر کنند.^۲

مشکل دیگر این بود که اغلب کالاهای ایرانی از قبیل تریاک، برنج، پنبه و غیره که به خارج صادر میشدند، به خاطر تقلب، از اعتبار آنها کاسته شده و این باعث پایین آمدن بهای آنها شده بود. لذا از پادشاه تقاضا نمودند که اگر مال‌التجاره شخصی معیوب و تقلبی باشد، مباشرین دیوان همایون و قونسول‌های ایران که در آنجا مقیم هستند، مال‌التجاره معیوب را ضبط و به دولت اطلاع دهد تا شخص خاطی مجازات شود؛^۳ همچنین اکنون امنیت در ایران ایجاد گردد، مردم آزادانه می‌توانستند برای خرید به هر جای ایران بروند، اما آن دوره بیشتر پول آنها صرف خرید کالاهای بیمصرف خارجی می‌گشت و این امر سبب تعطیلی کارخانه‌های داخلی شده بود. لذا از پادشاه درخواست نمودند که پادشاه حکم فرماید از ارباب صنایع و حرفه‌ها، تولیدات خود را کامل سازند و ضمناً مردم را از استعمال امتعه خارجه در ظرف یک مدتی ممنوع نماید.^۴ شاه دستور داد که در ترقی کارخانجات و صنایع ایران، همان‌طور که تجار متعهد شده‌اند، اهتمام لازم را به عمل آورند و به ولایات اعلام بدارند کسانی که در تولید کالاهای ایرانی تقلب کرده و کالاهای تقلبی درست می‌کنند و می‌فروشند، لازم است اموال آنها را ضبط کنند. آن‌گاه مجلس تجارت تهران تأسیس و میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله برکنار و علیقلی خان مخبرالدوله، وزیر تجارت شد. مجلس تجارت در شیراز، تبریز، اصفهان، قزوین، کرمان، کردستان، زنجان، کرمانشاه، ساری، بندرلنگه، بندرعباس، ارومیه، بارفروش، خراسان، گیلان، کاشان، همدان و حتی شهرهای بغداد، استانبول و بادکوبه (باکو) تشکیل شد.^۵ بخش دیگری از کتابچه عرایض مجلس وکلای تجار شامل جزئیات حقوق قانونی، حقوق گمرکی و مسئولیت مجلس بود، برای سر و سامان دادن به امور تجار ورشکسته و سامان دادن به مشاجراتی که در

۱. همان، ص ۱۴۲-۱۴۳

۲. خسرو معتمد، حاج امین‌الضرب، تهران، جانزاده، ۱۳۶۶، ص ۵۰۳

۳. بیانی، خان‌بابا، پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، ص ۱۴۳

۴. همان، ۱۴۴

۵. آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۳۲-۳۴۱

مورد کالاهای تجاری یا مستغلات، بین بازرگانان با یکدیگر و بین بازرگانان و سایر اقشار صورت می‌گرفت.^۱ از جمله تکالیف آن می‌توان به چند مورد اشاره نمود. باید اسامی اشخاصی که داخل ایران شغل آنها دلالی بود، ضبط مجلس و کالا باشد و هر کدام اجازه از مجلس داشته باشند که در وقت خرید و فروش، به اشخاص غیرمعتبر مال مردم خور، کالایی نفروشدند و در هر هفته صورت خرید و فروش بازار را صحیحاً به مجلس بدهند. تکلیف دیگر آنها این بود تمام مجالس وکلای تجار در هر یک از ولایات، اسکناس و پول چروک و ساغکه محمول است، با کمال جدیت آنها را منسوخ و رواج هر یک را متروک دارند.^۲ در کل کار آنها نظارت بر تجارت و بازرگانی تجار در هر ولایت و گسترش کارخانجات و تشویق مردم به مصرف کالای داخلی، جلوگیری از کلاهبرداری در هر سطحی و توسط هر قشری بوده است.

در ابتدا بر اساس دستور شاه، چرخ‌های اساسی آن به حرکت در آورده شد و مجلس تهران به سرپرستی امین‌الضرب تشکیل یافت. سپس شاه به صدراعظم فرمان داد تا به تمام حکام ایالات پیام فرستاده و به آنها اطلاع دهند که باید چنین مجلسی را در قلمروشان تشکیل داده و امور مربوط به تجارت و صنف بازرگانان را به آنان ارجاع دهد. تصمیم‌گیری و انتظام امور با مجلس باشد. حکام، مجری تصمیمات آن هیئت و امور تجارت و مشاجرات بین ایشان باشند.^۳ هم‌زمان امین‌الضرب به همکاران خود نامه نوشته، از آنان خواست که مجلس محلی را تشکیل دهند. این مجلس در راستای رونق اقتصادی، انجام اقدامات گوناگون را برعهده گرفت. تأسیس کارخانه، راه‌سازی و استخراج معدن، گسترش تولید ابریشم و ترویج فن ابریشم‌کشی با ماشین چرخ اروپایی، مراقبت در اصالت کالاهای صادرات به ویژه فرش، متروک داشتن اسکناس‌های خارجی و پول‌های فلزی خارجی که مایه پربشانی بازار تجاری و کمیابی پول طلا و نقره می‌گردید، صدور برات و اعمال شیوه دفترداری نوین، از اقدامات آنها بود.^۴ در واقع مجلس وکلای تجار، اولین تشکیلاتی بود که تقاضاهای سیاسی یک گروه مهم اقتصادی را منعکس می‌ساخت. با وجود تلاش بسیار صنف بازرگانان، دستاوردهای این تشکیلات پربار نبود و زود تعطیل شد. با وجود این نیز، اتحاد صنف تجار از هم پاشیده نشد و از سال ۱۳۰۰ هـ. ق تشکیل شرکت‌های تجاری آغاز گشت.^۵

بیشتر شعبه‌های مجلس وکلای تجار طی دو ماه بعد تأسیس شد. در توصیف وظیفه مجلس، امین‌الضرب در نامه‌ای به یکی از همکاران می‌نویسد که پیشرفت و رفاه کشور به عملکرد خوب و کارهای این مجلس بستگی دارد. اگر موفقیت آمیز باشد، امید است که آیندگان از آنان به نیکی یاد کنند.^۶ در سال اول، مجلس و شعبه‌هایش کاملاً توسط شاه حمایت می‌شدند و این حمایت بدانجا رسید که وقتی شاه شکایت‌هایی ضد

۱. مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی، ص ۱۷۳

۲. بیانی، خانابا، ص ۱۴۶ و ۱۴۸

۳. مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی، ص ۱۷۳

۴. آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۱۴-۳۱۵

۵. همان، ص ۳۷۰

۶. همان، ص ۳۱۰

حاکم تبریز دریافت کرد؛ شخصاً در نامه‌ای وی را توبیخ نمود و متوجه این نکته کرد که در صورت عدم همکاری با وکلای تجار، از مقامش عزل خواهد شد. گروه‌هایی که منافعشان در خطر بود، قدرت‌مندتر از تجار بودند. مهم‌ترین این افراد حکما و علما بودند. افول مجلس در تبریز آغاز شد و با اینکه ولیعهد کشور، مظفرالدین میرزا، از آن حمایت می‌کرد، علما آشکارا با اعضای مجلس و تصمیمات آنان در مورد ورشکستگی مخالفت می‌نمودند، چرا که اینجا میدانی بود که در آن هم حکام و هم علما سود می‌بردند و پیش از شکل‌گیری مجلس وکلای تجار، نزاع‌های مربوط به ورشکستگی از طریق مجتهد و تأیید حاکم، حل و فصل می‌شد. بازرگانان ورشکسته با دادن رشوه به مجتهد و حاکم، می‌توانستند رأی مطلوب‌تری برای خود نسبت به طلبکاران به دست آورند. در نتیجه مخالفت علما، رئیس مجلس و وکلای تجار تبریز از کار خود کناره‌گیری نموده، از اجرای وظایف خود بازماند. به دنبال آن، مجلس وکلای تجار قزوین نیز تعطیل شد. هنوز مجلس تهران به کار خود ادامه می‌داد و توسط شاه حمایت می‌شد، ولی مخبرالدوله که به تازگی به سمت وزیر بازرگانی منصوب شده بود، ضد مجلس و هم پیمان حکام بود. وزیر جدید در هر ایالت، فردی را به ریاست تجار منصوب می‌نمود که فردی نظامی بود یا از بازرگانی اطلاعی نداشت.^۱

به دنبال اعمال مستبدانه و نادرست حکام، امین‌الضرب نامه‌ای محرمانه در ۱۳۰۳ هـ. ق / ۱۸۸۵ م به شاه نوشت که حکام نمی‌گذارند شورای تجاری را به کار خود ادامه دهد و آنچه می‌خواهند از رعیت بیچاره می‌گیرند و املاک مردم را نیز مصادره می‌کنند. در ادامه پیشنهاد نمود بازرسان‌هایی بی‌طرف از میان تجار انتخاب شده، مسائل هر ایالتی را تعیین نمایند و بدون ترس از تلافی حکام قادر باشند گزارش‌هایی در مورد امور ایالات و شرح کارهای غیر قانونی حکام را منعکس ساخته، مستقیماً به شاه اطلاع دهند.^۲

این پیشنهادها چنان حرکت انقلابی بود که شاه با وجود مشورت مکرر با امین‌الضرب، نمی‌توانست باور کند که بتوان این طرح را به مرحله اجرا در آورد. در نتیجه امین‌الضرب دلسرد شده، از ریاست مجلس وکلای تجار در کمتر از دو سال پس از تأسیس آن کناره‌گیری کرد. کار مجلس هم به تدریج متوقف شد. این را نیز باید افزود که در کار شکنی‌های حکام ضد مجلس وکلای تجار، دولت‌های بیگانه نیز دست داشتند. با اجرای قوانین جدید این شورا، می‌رفت که فروش کالاهای دول خارجی کاهش یابد؛ بنابراین در جهت از بین بردن این مجلس، نهایت سعی خود را انجام دادند.^۳

۱. مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی، ص ۱۷۴

۲. آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۶۸-۳۶۷

۳. مهدوی شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی، ص ۱۷۵-۱۷۶

نتیجه

با مرگ امیرکبیر در دوره ناصرالدین شاه، اصلاحات مالی به فراموشی سپرده شده و امورات آن همانند گذشته، تحت کنترل شاه صورت گرفت. از آنجایی که تجار خارجی از تسهیلات زیادی برخوردار بودند، می‌توانستند کالاهای مصرفی را که کیفیت پایینی داشتند، در سطح وسیعی وارد کشور نمایند. چون از سوی دولت مرکزی اقدامی در راستای بهبود وضع مالی بازرگانان ایرانی انجام نگرفته بود و حکام ایالات مختلف ایران در امور مربوط به بازرگانی کارشکنی می‌کردند، تجار ایرانی، رو به ورشکستگی نهادند. بنابراین تاجران به ریاست امین‌الضرب، ناصرالدین شاه را متقاعد ساختند که انجمن شورای تجار را در سال ۱۳۰۱ هـ.ق تشکیل دهند. در راستای بهبود وضع تاجران ایرانی، اقداماتی از قبیل ایجاد دفاتر ثبت املاک و مستغلات، ایجاد بازار مکاره که به مدت دو ماه در سال و در یکی از شهرهای مرزی شمال برگزار شود، جلوگیری از ورود کالاهای غیر ضروری خارجی و متقاعد کردن مردم به اینکه کالای مصرفی داخلی را خریداری نمایند، از پیشنهادات و اهداف این انجمن به ریاست امین‌الضرب بود. پس از اندک زمانی، شاخه‌های این انجمن در سایر شهرهای داخلی و حتی خارجی، از جمله در بغداد ایجاد شد، اما پس از مدت کوتاهی مورد مخالفت حکام و علما قرار گرفت، زیرا بیشتر فعالیت‌های این طبقات به انجمن واگذار شده بود و از دخالت‌های آنها در امور بازرگانی کاسته شده بود. کارشکنی دولت‌های روسیه و انگلیس را نیز باید بدان افزود که سخت از اقدامات و اهداف این انجمن هراسان بودند. انجمن تجار با وجود تلاش‌های زیاد امین‌الضرب و حمایت‌های اولیه ناصرالدین شاه، بیش از دو سال نتوانست دوام بیاورد. قدرت علما و حکام در دربار بیشتر از تجار بود و با کناره‌گیری امین‌الضرب از ریاست، انجمن نیز منحل گشت. ظاهراً تاجران اقدام عملی قابل قبولی انجام ندادند، اما پس از این تاریخ، احداث شرکت‌ها، کارخانه‌ها و صرافی‌ها که با هم در ارتباط بودند، نشان از تداوم عملی این انجمن دارد و ما شاهد آنیم که این صنف در حوادث بعدی ایران از جمله قرارداد تنباکو، چه نقش مهمی را ایفا نموده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی